



مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۸۲۹

هر چه دلبر کرد ناخوش چون بود
هر چه کشت افزاست آتش چون بود

نقش‌هایی که نگارد آن نگار
عقل آن را جز که مفرش چون بود

شربتی را کو به مست خود دهد
جز لطیف و پاک و دلکش چون بود

کشتی شش گوشه‌ست این شش جهت
بحر بی‌پایان در این شش چون بود

نرگس چشمی کز این بحر آب یافت
در شناس بحر اعمش چون بود

چون گشادی یافت چشمی در رضا
از سخط هر لحظه اخفش چون بود

هین خموش و از خمول حق بترس
مؤمن اقبال مرعش چون بود